

تبیین رویکرد شناختاری زبان دین و دلالت‌های آن برای تربیت دینی

زهرا شبستری‌نژاد راوری^۱ • دکتر سید مهدی سجادی^۲ • دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری^۳ • دکتر محسن ایمانی نایینی^۴

چکیده:

این مقاله با بررسی و تبیین رویکرد شناختاری زبان دین، به منظور استنتاج دلالت‌های آن برای تربیت دینی تدوین شده است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا با روش تحلیل مفهوم، عناصر مرتبط با این رویکرد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، سپس با بهره‌گیری از روش استنتاجی (مدل اصلاح‌شده الگوی فرانکنا)، دلالت‌های این رویکرد در باب اهداف، اصول و روش‌های تربیت دینی استخراج شده است. رویکرد شناختاری رتبه‌ای - چندساحتی زبان دین، رویکردی تلفیقی و سازوار از رویکردهای شناختاری زبان دین است که بر اساس برخی از مبانی خداشناسی مانند وجود خدا و وحدانیت و مبانی انسان‌شناسی مانند قدرت اختیار و تعقل، ذوابعاد بودن و کمال‌جویی تربیت اسلامی استنتاج شده است. این رویکرد ضمن اعتقاد به معرفت‌بخشی و معناداری زبان دین، اعتقاد به ترکیبی و چندساحتی بودن زبان دین نیز دارد و بر ترکیب «نماد» و «نشانه» در این زبان تأکید می‌کند. شناخت صفات الهی، پرورش قوه تعقل، تزکیه و تهذیب نفس و تقویت ایمان به منزله اهداف تربیت دینی مستنتج از این رویکردند که مبتنی بر اصولی مانند خودشناسی، خردورزی، تدریج و پیوستگی، جامع‌نگری و سازنده‌گرایی واقع‌گرایانه و روش‌هایی مانند بحث و گفت‌وگو، استدلال مبتنی بر نگاه آیه‌ای و روش‌هایی نوین مانند روش تلفیقی و روش نوشتن خلاق‌اند که می‌توانند به‌منزله راهنمای عمل در فرایند تربیت دینی به کار گرفته شوند تا متریبانی پرورش یابند که در تمام زمینه‌های تربیت دینی اعم از بعد علمی - عقلی، بعد درونی و بعد بیرونی دین‌ورز شوند.

کلیدواژگان: تربیت دینی، دلالت‌ها، رویکردهای شناختاری (رتبه‌ای - چندساحتی)، زبان دین

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۶

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). E-mail: sajadism@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

ظهور گرایش‌های نوین در علوم گوناگون در عصر پست‌مدرنیسم سبب ایجاد چالش‌هایی در زمینه فهم ابعاد مختلف زبان دین و در نتیجه دلالت‌های آن برای تربیت دینی شده است. در دوران معاصر که پست‌مدرنیسم یکی از شاخصه‌های آن است، تحولات بنیادین در حوزه فلسفه و معرفت‌شناسی چالش‌های مذکور را پیچیده‌تر کرده است، لذا لازمه ماندگاری اندیشه‌ها و اعمال دینی، پاسخگویی صحیح به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه است.

حوزه «فلسفه زبان» یکی از حوزه‌های معرفتی نوظهور است که با طرح پرسش‌های نو و کم‌سابقه درباره ارتباط زبان با واقعیت و به چالش کشیدن برخی تصورات سنتی، منجر به چالش‌هایی نو برای تربیت دینی شده است.

در عصر جدید یکی از ضروریات مطالعات تربیت دینی، مطالعه نسبت دین با یافته‌های جدید فلسفی به ویژه در عرصه معرفت‌شناسی و بررسی فلسفی رویکردهای شناختاری زبان دین است. این رویکرد پژوهشی می‌تواند در کنار ایجاد پویایی در فهم تربیت دینی، نسبت به شناخت و بهره‌گیری از پتانسیل‌های اندیشه‌های نوین فلسفی و غنابخشیدن به عمل و تفکر درباره این نوع تربیت، مؤثر واقع شود. مطالعه رویکردهای شناختاری زبان دین نیز می‌تواند بخشی از مطالعات فلسفه تعلیم و تربیت در عرصه تربیت دینی باشد.

پژوهش‌هایی در زمینه رویکردهای زبان دین انجام شده است. سالاری‌راد (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه‌های شناختاری و غیرشناختاری زبان دینی» بیان می‌دارد که فیلسوفان دین در تحلیل زبان دینی، قائل به دو دیدگاه هستند: ۱. دیدگاهی که گزاره‌های دینی را صرفاً ناظر به ارزشها، اعمال و بیان احساسات دیندار می‌داند (غیرشناختاری)، مانند نظریه «زبان نمادین» تیلیش، نظریه «شعری» سانتایانا، و ... ۲. دیدگاهی که گزاره‌های دینی را ناظر به واقع و توصیفگر واقعیتها می‌داند (شناختاری)، مانند نظریه متفکران اسلامی، نظریه «تمثیل» آکویناس و ... جعفری (۱۳۹۱) نیز در «قصه‌های قرآنی و رویکردهای زبان دینی در تحلیل آنها» معتقد است که در حوزه داستانهای قرآنی، دورویکرد عمده وجود دارد: دسته اول دیدگاه‌های غیرواقع‌گراست که قصه‌های قرآنی را از محتوای واقعی، که مدلول ظاهری الفاظ و کلمات آنهاست، تهی می‌کنند. دسته دوم شامل آرایایی است که مضامین داستانهای قرآن را حاکی از رویدادهای واقعی می‌دانند. شریف‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی مبانی و لوازم نظریه شناختاری علامه طباطبایی در زبان دین» بیان می‌دارند که نظریه زبان دین علامه، در شمار نظریات شناختاری قرار می‌گیرد. او با قائل‌بودن به زبان عرف خاص، معتقد به حقیقی، عینی و قابل صدق و کذب بودن زبان دین است.

نگاهی به رویکردهای شناختاری زبان دین، حائز این نکته است که «اگرچه معنای ظاهری بسیاری از گزاره‌های دینی، آن‌گونه نیست که در عمل متجلی می‌شود، بلکه، در واقع نوعی عمل گفتاری دیگر هستند که می‌توان آنها را شامل قیاس (قرینه)، استعاره، دعا یا انواع دیگر دانست.» (آلستون^۱، ۲۰۰۵) و این نکته به دست‌اندرکاران امر تربیت دینی یادآوری می‌کند که استفاده از تنوع و نوآوری در عرضه گزاره‌های دینی امری مقبول و مورد تأیید دین است. شیوه‌هایی که شاید کمتر مورد توجه بوده است.

علاوه بر این پژوهشها، تحقیقات بسیار اندکی هم درباره دلالت‌های رویکردهای زبان دین در تربیت دینی شکل گرفته است. آقازاده (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به نقش زبان در تعلیمات دینی» زبان را ابزاری برای برقراری ارتباط و گستره‌ای برای اندیشه‌ورزی می‌داند. او معتقد است که برای ارائه تعلیمات دینی، زبانی خاص شکل گرفته است که از آن به زبان دین یاد می‌شود. همچنین همایون مصباح (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «زبان دین یکی از مبانی تحول معرفت دینی» بیان می‌دارد که بدون تردید، زبان‌شناسی دین یکی از مباحث کاربردی حوزه دین‌شناسی است که انسان را در فهم گزاره‌های دینی بسیار کمک می‌کند، زیرا برخی از مطالب دینی بالاتر از ظرفیت معرفتی افراد است که چالشهایی را در جوامع دیندار ایجاد کرده است.

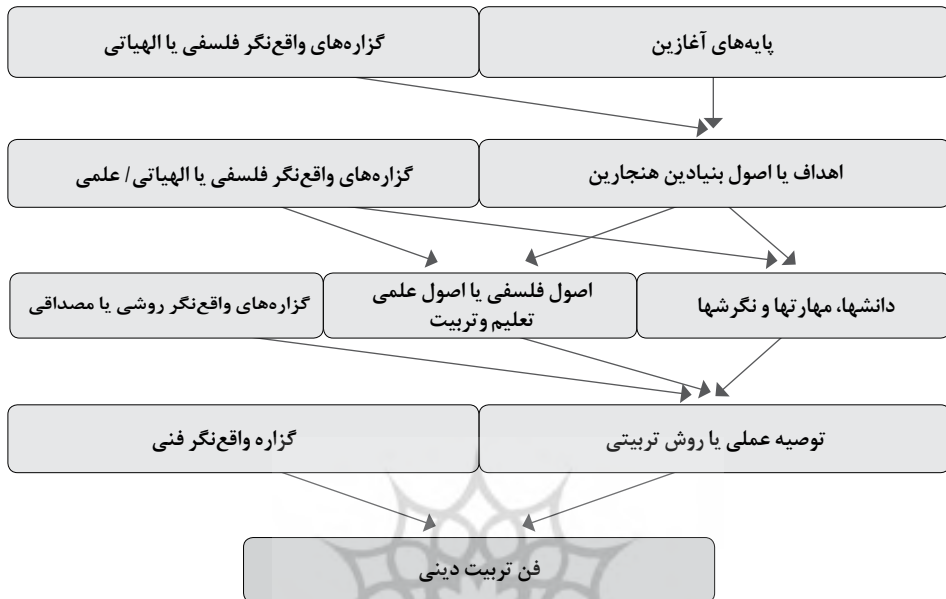
همان‌گونه که بیان شد، پژوهشهای اندکی درباره نقش زبان دین در تربیت دینی انجام گرفته است، از این‌رو پژوهشگر در این پژوهش در پی تبیین رویکردهای شناختاری زبان دین و استنتاج دلالت‌های آن در تربیت دینی شامل اهداف، اصول و روشها، با بهره‌گیری از رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی است.

■ روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهشهای کیفی است که در آن با رویکرد فلسفی به بررسی رویکردهای شناختاری زبان دین پرداخته شده است. برای دستیابی به این هدف ابتدا سعی شده است تا با بهره‌گیری از روش «تحلیل مفهوم» به بررسی و تبیین عناصر مرتبط با رویکرد شناختاری رتبه‌ای - چندساحتی زبان دین پرداخته شود، سپس با بهره‌گیری از «روش استنتاجی پیش‌رونده» که الگوی اصلاح‌شده فرانکنا است، دلالت‌های تربیت دینی این اندیشه در باب اهداف، اصول و روشها استنتاج شوند. این الگو از طریق حرکت از مقدمات به سوی نتایج، از «بایدهای آغازین» و «گزاره‌های فلسفی و الهیاتی» شروع می‌کند و به استخراج اهداف، اصول و روشهای تربیت دینی می‌پردازد. (باقری و همکاران، ۱۳۸۹).

1. Alston

صورت بازسازی شده الگوی فرانکنا به این صورت است:



بر این اساس، در این مقاله تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از گزاره‌های الهیاتی و فلسفی برگرفته از رویکرد شناختاری رتبه‌ای - چندساحتی و از طریق چیدن مقدمات فلسفی و الهیاتی در باب زبان دین، اهداف، اصول و روشهای تربیت دینی استنتاج شوند.

■ تعریف تربیت دینی

لازمه فهم درست تربیت دینی، تبیین مفهوم دین و عناصر مهم آن است. از این رو در ادامه، برخی از اندیشه‌های مرتبط با مفهوم دین و عناصر آن آورده می‌شود.

دین در لغت به معنای انقیاد، حکم و قضا، پیروی، جزا و ... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷) و در اصطلاح از منظر اندیشمندان این حوزه دارای تعاریفی است. علامه جعفری (۱۳۷۵) دین را مجموعه‌ای از هدایتهای عملی و علمی، به وسیله وحی و سنت برای رستگاری آدمی در دو دنیا می‌داند. علامه طباطبایی (۱۳۸۸) نیز دین را عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی که پیامبران از طرف خداوند برای هدایت بشر آورده‌اند، تعریف کرده است. این واژه در منظر اندیشمندان غربی مانند کانت^۱ (۱۷۹۳؛ ترجمه صناعی‌دره‌بیدی، ۱۳۹۵) به شناخت تکالیف ما به‌عنوان احکام الهی و پیترسون^۲ (۲۰۰۸) مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات حول مفهوم حقیقت غایی تعریف شده است.

1. Kant
2. Peterson

بنابراین می‌توان دین را نظام و چارچوبی الهی، متشکل از اعتقادات، اخلاق، احکام و اعمال که برای سعادت دنیوی و اخروی انسانها فرستاده شده است تعریف کرد. با این تعریف، به نظر می‌رسد دین‌ورزی^۱ یا همان التزام دینی^۲، تجلی و نمود ظاهری و باطنی دین در انسان است. برای انسان دین‌ورز شاخصه‌های بسیار ذکر شده است. از جمله: باقری (۱۳۸۰) ابعاد دین‌ورزی را اعتقادی و فکری، تجربه درونی، التزام درونی و عمل می‌داند و شجاعی‌زند (۱۳۸۴) آن را معتقد بودن، مؤمن بودن، اخلاقی عمل کردن، اهل عبادت بودن و متشروع بودن بیان می‌دارد. گلاک^۳ و استارک^۴ نیز معتقدند منطقی و عقلانی (دانش مذهبی)، ایدئولوژیکی (باورهای مذهبی)، مناسکی (آیینها و اعمال مذهبی)، تجربی (احساسهای مذهبی) و پیامدی یا کاربردی مؤلفه‌های دین‌ورزی است. لنسکی^۵ (۱۹۶۰) «جهت‌گیری و التزام دینی و آثار تدین در فکر، جان و عمل فردی و اجتماعی فرد» (احمدی، ۱۳۸۸) را ابعاد آن برمی‌شمارد.

همان‌طور که از مطالب مذکور استنباط می‌شود شاخصه‌های دین‌ورزی متغیرند، اما به نظر می‌رسد بر اساس ابعاد دین، می‌توان دیدگاه اندیش‌مندانی همچون باقری و گلاک را از همه کامل‌تر دانست. با دقت نظر می‌توان این شاخصه‌ها را در سه بعد نگرش، گرایش و کنش‌های (اعمال) آشکار و پنهان فرد خلاصه کرد، یعنی باید متریبان، با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون شناخت، نسبت به گزاره‌ها و متون دینی دانش کسب کنند، سپس با شیوه‌های متفاوت، حس علاقه و انگیزه به معرفت دینی در آنها ایجاد شود تا بر اساس اختیار خویش، دین را انتخاب و به دستورات (فردی و اجتماعی) آن عمل کنند و قطعاً متوجه پیامدهای عمل خود نیز باشند.

نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، توجه به بعد تجربه دینی است که تقریباً در اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه جایگاهی ویژه دارد، اما به‌ظاهر، در ابعاد فوق گنجانده نشده است. برای تبیین این مسئله، ابتدا تعریفی از تجربه دینی ارائه، سپس دیدگاه پژوهشگر بیان می‌شود.

■ تجربه دینی

تجربه دینی به معنای ادراک حسی و تجربه‌های منطقی نیست، بلکه تجربه دینی «ادراکی باطنی، یا «یافتی» قلبی و معنوی است که شخص از امری متعالی پیدا می‌کند؛ امری که برای شخص جنبه تقدس دارد» (عباسی، ۱۳۸۳)، بنابراین، دو شرط برای دینی شدن تجربه وجود دارد: یکی آنکه در محدوده دین و در ارتباط با خداوند باشد و دوم آنکه فاعل تجربه، در توصیف حالات خود از مفاهیم دینی بهره‌برد. پس می‌توان گفت تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است که کاملاً قلبی است و به‌خلاف مراسم آیینی، نمود بیرونی ندارد. برای تجربه دینی می‌توان انواعی متصور بود مانند:

۱. از منظر این مقاله، مناسب‌تر است کلمه دین‌ورزی به جای دین‌داری استفاده شود.

2. Religious commitment
3. Glock
4. Stark
5. Lensky

«تأییدی: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی: حس صمیمیت و شور نسبت به خدا؛ و حیانی: مورد اعتماد خدا واقع شدن و فرستاده خدا بودن» (صادقی، ۱۳۸۲). رنکین^۱ (۲۰۰۵) معتقد است که نباید تجربه دینی را به پیشروان مذهبی ادیان مختلف فروکاست. بیشتر مردم عادی که شاید تجربه چندانی در التزام عملی به احکام اعمال دینی نیز ندارند از دریافت نوعی تجربه دینی سخن می‌گویند.

با توجه به تعاریف مذکور، پژوهشگر تجربه دینی را زمینه‌ای برای الزام درونی می‌داند که باید در تربیت دینی مورد توجه ویژه قرار گیرد.

لذا می‌توان گفت: سه شاخصه الزام علمی - عقلی، الزام درونی و الزام بیرونی، همه ابعاد مربوط به تربیت دینی را در برمی‌گیرد، که بر این اساس می‌توان تربیت دینی را به صورت ذیل تعریف کرد: مجموعه اقدامات و تدابیر تدریجی و مداوم برای پرورش سه شاخصه الزام علمی - عقلی، الزام درونی و الزام بیرونی در افراد.

■ رویکردهای شناختاری زبان دین

شناخت رابطه دین و زبان یکی از حوزه‌های مطالعات نوین است که در آن نسبت زبان و معنا با واقعیت به چالش کشیده شده است. البته مطالعه زبان در سنت دینی همواره مورد تأکید قرار داشته است. آنچه در این حوزه جدید است، چالش فلسفی در باب زبان و معنا در دین و نسبت آن با واقعیت است. بنابراین آنچه در رویکردهای شناختاری زبان دین مطرح است، بررسی نسبت زبان به کاربرده شده در متون دینی همانند قرآن با واقعیت یعنی همان بررسی معرفت‌بخشی و واقع‌نمایی زبان دین است. زبان دین یعنی سبک و شیوه‌ای که در کلمات و گزاره‌های قرآن حاکم است و خداوند با انسانها سخن گفته است. به عبارت دیگر مقصود از زبان دین، ساختار گزاره‌هاست که چه ویژگی‌هایی دارند، مانند اینکه زبان دین حقیقی و واقع‌نماست یا رمزی و سمبلیک؟ و... (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی رویکردهای زبان دین را می‌توان به معنادار و بی‌معنا، سپس رویکردهای معنادار را به شناختاری و غیرشناختاری تقسیم کرد. با توجه به اهداف این مقاله، تنها رویکردهای شناختاری مطرح زبان دین مورد بررسی قرار گرفته است.

پیروان رویکردهای شناختاری زبان دین، معتقدند که در این رویکردها، گزاره‌های دینی به توصیف واقعیتها می‌پردازند، مانند اینکه: «خداوند قادر است» گزاره‌هایی از واقعیات عینی‌اند. همچنین قابلیت صدق و کذب بر اساس انطباق و عدم انطباق با واقع را دارند (ساجدی، ۱۳۹۷).

در اینجا برای فهم مناسب رویکردهای شناختاری زبان دین می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد که در ذیل به آنها پرداخته شده است.

1. Rankin

الف) بعد هستی‌شناختی رویکردهای شناختاری زبان دین

این رویکردها، به معناداری و معرفت‌بخشی زبان دین معتقدند و بیشتر به نحوه کاربرد زبان در مورد صفات الهی و تبیین رابطه انسان با خداوند می‌پردازند، از این رو ماهیتی هستی‌شناختی دارند.

۱. رویکرد سلبی: این رویکرد از دل رویکرد اشتراک لفظی قابل استخراج است و برخی از اندیشمندان مانند افلاطون^۱، فلوطین^۲ و ابن‌میمون^۳ به آن معتقدند. آنها در پی بیان این مطلباند که زبان دین معنادار و معرفت‌بخش است و با وجود عدم مشابهت میان خالق و مخلوق و متفاوت بودن ماهیت صفات الهی و انسان، می‌توان صفات الهی را از طریق الهیات تنزیهی و سلبی شناخت؛ اما این، شناختی واقعی از خداوند نیست، زیرا فهم آدمی از خدای متعال در حدی است که فقط می‌تواند صفات نقص را سلب کند و نه اینکه چیزی را برای خدا اثبات نماید (علی‌زمانی، ۱۳۹۵). به این شکل که وقتی می‌گوییم: «خدا قادر است»، یعنی خداوند عاجز نیست.

۲. دیدگاه تمثیلی: دومین دیدگاه، نظریه تمثیلی یا حمل تمثیلی است که منتج از نظرات توماس آکویناس^۴ است. او بیان می‌دارد که «زبان دین معنادار و شناختاری است و حمل صفات بر خداوند و انسان، به دلیل تفاوت در ذات و موضوع، دارای رتبه‌بندی، حقیقت و مجاز و ثبوتی و سلبی است» (پیترسون و همکاران، ۲۰۰۸).

آکویناس، در قدم اول میان اوصاف سلبی و ثبوتی تمایز قائل می‌شود. به گفته وی، خداوند موجودی همچون سایر موجودات نیست و او را نمی‌توان در طبقه‌بندی سایر موجودات قرار داد؛ بنابراین برای ما آنچه خداوند نیست، از آنچه هست روشن‌تر است (استیور^۵، ۱۹۹۶؛ ترجمه ساجدی، ۱۳۹۳). سپس بیان می‌دارد که در باب صفات ثبوتی، دو دیدگاه نادرست اشتراک لفظی و تک‌معنایی وجود دارد. او پس از نفی مطلق‌گرایی این دو دیدگاه، راه‌حل میانه خود، یعنی نظریه «تمثیل» را ارائه می‌دهد.

۳. مشترک معنوی یا حمل تشکیکی: این اندیشه متعلق به ملاصدرا است که به معناداری، معرفت‌بخشی و واقع‌گرایی زبان دین معتقد است. از نظر او اشتراک مفهومی و نه اشتراک مصداقی بین صفات خداوند و انسان وجود دارد و این نظریه را مشترک معنوی نامید. این رویکرد بر اساس اعتقاد به رتبه‌ای بودن جهان و انسان، قائل به رتبه‌ای بودن زبان قرآن نیز هست که بر اساس آن، زبان قرآن دارای دو مرحله است: زبان ظاهری و عرفی و زبان نمادین و فراعرفی. در دیدگاه وی، زبان و واقعیت دو وجه از یک حقیقت‌اند و زبان عین واقعیت و واقعیت عین زبان است و ظهور تفصیلی و صدق آن تابع نفس انسان کامل است، پس زبان دین نسبت به انسان کامل، زبانی مطابق

1. Plato
2. Plotinus
3. Maimonides
4. Thomas Aquinas
5. Stiver

با واقع است و نسبت به سایر نفوس نیاز به تأویل دارد. ملاصدرا معتقد است که زبان در توصیف واقعیت نقشی مداخله‌گرانه ایفا می‌کند (فخارنوغانی و حسینی‌شاهرودی، ۱۳۹۵).

ب) بعد معرفت‌شناختی رویکردهای شناختاری زبان دین

رویکردهای معرفت‌شناختی نیز به معناداری و معرفت‌بخشی زبان دین معتقدند. این رویکردها در مقابل رویکردهای هستی‌شناختی، بیشتر ناظر به ابعاد معرفت‌شناختی و به خصوص تبیین زبان دین مبتنی بر یافته‌های فلسفه زبان و معناشناسی فلسفی هستند.

۱. نظریه ابطال‌پذیری و معناداری: این رویکرد که متعلق به بازیل میچل^۱ است، مدعیات دینی را مطابق معیار اثبات‌گرایان و مبنای ابطال‌پذیری تجربی آنها، واجد معانی معرفت‌بخش و واقع‌گرا، اما اثبات یا کذب اعتقادات و گزاره‌های دینی را منوط به آینده می‌داند. وی معتقد است که پاره‌ای واقعیتها مانند رنج بردن، ناقض مدعیات دینی است بنابراین، گزاره‌های دینی ابطال‌پذیر و در نتیجه، معنادارند. البته تأکید وی بر این مطلب صرفاً برای اثبات معناداری مدعیات دینی است و گرنه تصریح می‌کند که شخص دین‌دار این قبیل امور را ناقض باورهای خود نمی‌داند (حسینی، ۱۳۸۱).

۲. تحقیق‌پذیری اخروی^۲: جان هیک^۳ (۱۹۹۰) که دیدگاه خود را تحقیق‌پذیری اخروی یا فرجام‌شناختی گزاره‌های دینی می‌نامد، کوشیده است تا با استفاده از مبنای پوزیتیویست‌ها، معناداری و شناختاری بودن گزاره‌های دینی را اثبات کند. او نیز مانند بازیل میچل معتقد بود که انسانها در وضعیت فرجامین (آخرالزمان یا آخرت) خواهند فهمید که تفسیر دینی جهان درست است. به اعتقاد وی اکنون ما در فرایند متکامل تأیید باورهای دینی قرار داریم که نقطه کمال آن در حیات ابدی در ملکوت خداست. به همین دلیل، هیک انسانها را در فهم گزاره‌های دینی متفاوت می‌داند (صادقی، ۱۳۹۰).

به نظر او «بیشتر مردم عادی نسبت به زبان دین، نوعی واقع‌گرایی ساده دارند و گمانشان این است که هرچه در متون دینی آمده است، بیانگر لفظ به لفظ واقع است؛ اما واقع‌گرای انتقادی، الفاظ به کار رفته در متون دینی را تماماً، به صورت لفظ به لفظ معنا نمی‌کند، بلکه برای بسیاری از آنها معنایی کنایی و استعاری در نظر می‌گیرد» (یابلونسکی^۴ و همکاران، ۲۰۰۹).

۳. خلاف قاعدگی گزاره‌های دینی: این رویکرد نتیجه اندیشه‌های ایان کرومبی^۵ است. او نیز «پذیرش معناداری و شناختاری بودن گزاره‌های دینی را بر اساس معیار اثبات‌گرایان، صحیح

1. Basill Mitchell

2. Eschatological verification

3. John Hick

4. Jablónski

5. Ian Crombie

می‌دانست، اما نحوه ابطال گزاره‌های دینی را همچون گزاره‌های علمی نمی‌دانست. از منظر کرومبی چنین ابطالی تنها در اصل و نه در عمل ممکن است، چرا که ما در این جهان به همه واقعیت‌های مربوط به این امر دسترسی نداریم.» (کرومبی، ۱۹۵۷). وی از «خلاف قاعدگی» و پیچیدگی گزاره‌های دینی سخن می‌گوید. از منظر کرومبی، زبان دین، زبانی مبهم است و این به خاطر خداوند به‌عنوان موجودی منحصربه‌فرد و راز آلود است (علی‌زمانی، ۱۳۹۵).

۴. عرفی خاص (ترکیبی): رویکرد عرفی خاص یا ترکیبی، رویکردی است که پیروان بسیار از جمله امام خمینی (ره)، شهید مطهری و علامه طباطبایی دارد که زبان دین را معنادار، معرفت‌بخش و واقع‌گرا می‌دانند. آنها به‌کارگیری برخی صناعات ادبی عرفی برای تفهیم بهتر و تشبیه معقولات به محسوسات، مانند انشاء، اخبار، تمثیل (در معنای نمادین)، حقیقت و مجاز را در زبان دین جایز می‌دانند. از این رو، برخی از افراد توان درک و تفسیر برخی از گزاره‌های دینی را ندارند و همان‌گونه که اگر کسی بخواهد متون پزشکی را بفهمد، ناگزیر باید با فرهنگ اصطلاحات پزشکی آشنا باشد، برای فهمیدن قرآن نیز باید با فرهنگ دین و اصطلاحات آن نیز آشنا بود.

در این میان دیدگاه علامه طباطبایی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. علامه معتقد است که زبان دین در صفات الهی، مشترک معنوی (تشکیکی) است و در سایر گزاره‌ها، ترکیبی است. برخی نیز قائل به تفکیک بیشتری در آثار علامه هستند. به این صورت که معتقدند وی در «معناداری زبان دین، اشتراک معنوی و تأویلی است؛ که براساس آن، دسته‌ای از گزاره‌های دینی بر مبنای اشتراک معنوی و تشکیک وجودی معنادار است و دسته دیگر پس از تأویل، معنادار می‌شوند. در بحث واقع‌نمایی زبان دین نیز، نظریه زبان ترکیبی را، تصویر واقع‌بینانه‌تری از اندیشه وی در خصوص زبان دین می‌دانند که براساس آن، دین دارای ساختاری است که تمام انواع زبان را به‌صورت ترکیبی و تناسب نوع مخاطبان و افق فهم آنان، به‌کاررفته است» (ناطق، ۱۳۹۵).

■ تلفیق رویکردهای شناختاری زبان دین

از تلفیق و ترکیب سازوار رویکردهای فوق می‌توان به موضعی در باب شناختاری بودن زبان دین نایل گشت. این ترکیب سازوار با توجه به مبانی تربیت اسلامی قابل استنتاج خواهند بود. لذا برخی از این نظرات به دلیل آنکه با این مبانی همسو نیستند، حذف می‌شوند و برخی دیگر تحت‌عنوان رویکردی نو با نام رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی ارائه می‌شوند.

برخی از این مبانی که می‌توان آنها را در دو دسته خداشناسی و انسان‌شناسی بیان کرد عبارت‌اند از:
(الف) مبانی خداشناسی مانند: وجود خداوند، وحدانیت، خالق هستی و غیره.

(ب) مبانی انسان‌شناسی مانند: ذوابعاد بودن، فطرت‌گرا، قدرت تعقل، اختیار، کمال‌گرایی و غیره.
از آنجایی که استخراج این نقاط مثبت، با توجه به پیش‌فرضهای پژوهش است، بنابراین باید با احتیاط،

وجه اشتراک این رویکردها را معناداری، معرفت‌بخشی و واقع‌گرایی دانست. این احتیاط از آن روست که گاهی مفهوم یا مصادیق معرفت‌بخشی یا واقع‌گرایی موردنظر آنها با توجه به پیش‌فرض‌هایشان متفاوت خواهد بود. نخستین گام در مسیر تبیین این رویکرد، ماهیت هستی‌شناختی آن است که می‌توان در دو عبارت خلاصه کرد: اشتراک معنوی تشکیکی^۱ و ترکیبی بودن. در وهله اول باید توجه داشت که زبان دین، زبانی چندساحتی است که در گزاره‌های مربوط به صفات الهی، اشتراک معنوی تشکیکی (نه متواطی) و در سایر گزاره‌ها، زبان ترکیبی را می‌توان لحاظ کرد. بنابراین در بحث از صفات الهی، کلمات به کار برده شده در زبان دین با زبان عرف اشتراک معنایی دارد، که این اشتراک، اشتراکی تشکیکی است و نه متواطی (طهرانی حائری و موسوی کریمی، ۱۳۹۵).

زبان دین همچنین در سایر گزینه‌ها به جز بیان صفات الهی، زبانی ترکیبی است؛ بدین معنا که زبان دین، ترکیبی از اخبار و انشاء، حقیقت و مجاز، استعاره و تمثیل است که همه اینها بنا بر اهداف تربیتی گزاره‌های دینی، گویای واقعیت‌اند. دین حاوی ترکیبی از آموزه‌های عقلانی و وحیانی است و از منابع متعددی چون عقل، شهود و نقل بهره می‌برد. این ترکیب در زبان دین نیز قابل مشاهده است و از این رو زبان دین علاوه بر اخبار و انشاء، حاوی تمثیل و کنایه نیز هست.

گام دوم در تبیین رویکرد شناختاری رتبه‌ای - چندساحتی، تبیین ماهیت معرفت‌شناختی آن به‌خصوص در باب معیار صدق و کذب گزاره‌هاست. در باب صدق و کذب گزاره‌ها می‌توان نظریه «تحقیق‌پذیری اخروی» هیک را مبنا قرار داد. در این اندیشه گرچه در این جهان امکان اثبات یا ابطال برخی گزاره‌های دینی وجود ندارد، ولی این گزاره‌ها با گزاره‌های متضاد آنها ماهیت یکسان ندارند. پذیرش گزاره‌های دینی می‌تواند در عمل منجر به ایجاد تفاوت شود. برای مثال پذیرش مبانی دینی می‌تواند در مواردی مثل سوگ منجر به افزایش تاب‌آوری افراد شود و قدرت سلامت روان آنها را تقویت کند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی، تأکید بر رتبه‌ای بودن و تشکیک در معرفت حاصل از زبان دین است. از منظر زبان دین، افراد درجات متفاوتی از معرفت را دارند. البته این به‌معنای نسبی‌گرایی نیست، بلکه در پی ارائه نوعی معرفت‌شناسی واقع‌گرایی سازه‌گرایانه^۲ است. از دیدگاه سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، گرچه اصل واقعیت نمی‌تواند مورد انکار یا شک قرار گیرد، ولی ذهن شناسنده نقشی فعال در فرایند کسب معرفت دارد (باقری، ۱۳۹۲). از آنجایی که مراتب افراد در درک این گزاره‌ها متفاوت است، لذا قابلیت صدق، کذب و حتی معناداری برخی از آنها، بسته به خود افراد است؛ یعنی اینکه نقش خود افراد در تبیین متون دینی بسیار مهم است.

۱. می‌توان تشکیکی بودن را به این معنا دانست که هم شامل تفاوت در مصادیق صفات الهی و انسانی می‌شود و هم اینکه صفات الهی را باید به‌صورت یک شبکه کامل و درهم‌پیچیده در نظر گرفت؛ یعنی مثلاً صفت رحمت خداوند را نمی‌توان بدون صفات علم، حکمت، قدرت و ... معنا کرد، درحالی‌که درباره انسان این چنین نیست.

2. Critical realism

■ استنتاج دلالت‌های تربیت دینی

در ادامه، به استنتاج دلالت‌های تربیت دینی با توجه به رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی پرداخته شده و برای استخراج این دلالت‌ها الگوی اصلاح‌شده فرانکنا به کار رفته است. نخست گزاره‌های الهیاتی و فلسفی واقع‌نگر از رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی استخراج شده‌اند، سپس از ترکیب این گزاره‌ها با بایدهای آغازین به کشف اهداف غایی مبادرت شده است. در گام‌های بعدی نیز اهداف واسطی، اصول و روش‌های تربیت دینی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

◎ اهداف

۱. هدف غایی

ترسیم شفاف و منطقی اهداف موردنظر هر نظام تربیتی، می‌تواند مسیر را برای متصدیان امر تربیتی هموار کند. هدف غایی تربیت دینی هر مکتبی متأثر از جهان‌بینی کلی آن مکتب است و تمام برنامه‌های دینی در راستای التزام دینی، یعنی تجلی ظاهری و باطنی دین در انسان فرستاده شده است، لذا اهداف تربیت دینی نیز باید در همین راستا باشند.

از آنجایی که تربیت دینی، مجموعه اقدامات و تدابیر تدریجی و مداوم برای پرورش سه شاخصه دین‌ورزی (بینش، گرایش و کنش) در پرتو متون دینی است، بنابراین هدف غایی تربیت دینی را می‌توان تلاش در بالابردن مراتب وجودی متریبان و حرکت در جهت قرب الهی دانست. با توجه به اهداف غایی فوق، در ذیل اهداف واسطی آورده می‌شوند.

۲. اهداف واسطی

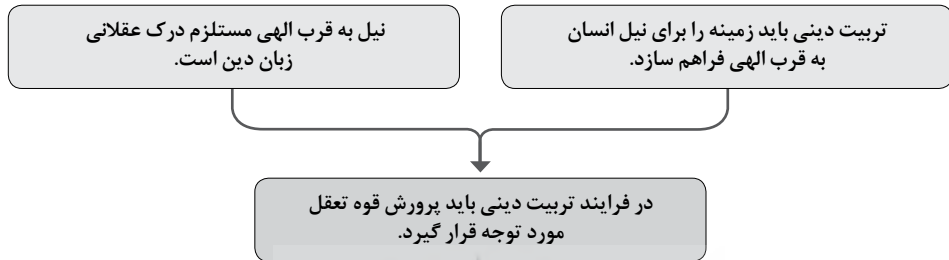
۲-۱. **شناخت صفات الهی:** بر اساس شاخصه معرفت بخشی رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی و همچنین با توجه به اینکه صفات الهی بخشی مهم از محتوای زبان دین هستند، شناخت آنها امری الزامی است. از منظر رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی در باب توصیف خداوند از عبارات مشترک با انسان بهره گرفته می‌شود، ولی از منظر کیفیت و شدت این صفات قابل مقایسه باهم نیستند و زبان صرفاً چارچوب معناشناسی محدودی در باب شناخت صفات الهی و صحبت در باب آنها فراهم می‌کند (طهرانی‌حائری و موسوی کریمی، ۱۳۹۵). از این رو برای درک صحیح دین، شناخت صفات الهی و تمایز آن با صفات انسانی اهمیت بسیار دارد.

گزاره فلسفی و الهیاتی واقع‌نگر: یکی از ملزومات نیل به قرب الهی، شناخت مناسب از صفات الهی است.

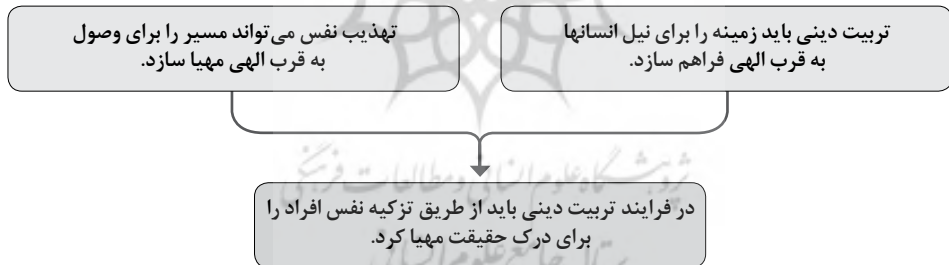
هدف غایی: تربیت دینی باید زمینه را برای نیل انسانها به قرب الهی فراهم سازد.

در فرایند تربیت دینی باید خداشناسی از طریق شناخت صفات الهی مورد توجه باشد.

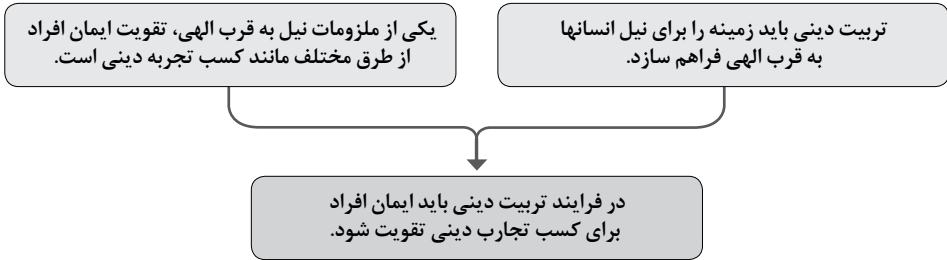
۲-۲. پرورش قوه تعقل: پرورش قوه تعقل یکی از ابعاد مهم تربیت دینی است که در قرآن کریم نیز بارها بر آن تأکید شده است. پرورش عقلانیت نیز مورد تأکید رویکرد شناختاری رتبه‌ای - چندساحتی است، زیرا بعد مهمی از زبان دین متعلق به بیان اخبار و گزاره‌های ناظر بر واقعیت و اجتناب از ظاهرگرایی است. برای درک این نوع زبان، نیاز به قدرت استدلال و اندیشه‌ورزی است، از این رو پرورش قوه تعقل از اهمیت بسیار برخوردار است.



۲-۳. تهذیب نفس: بر اساس رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی، بخشی از حقیقت نهفته در بطن زبان دین به صورت استعاری و به دور از باطن کلمات است. لازمه رسیدن به این درک باطنی، تهذیب و تزکیه نفس است که بارها در منابع اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. تا وقتی آئینه زنگار خورده وجود آدمی پاک نشود، نور الهی قابل مشاهده نخواهد بود.



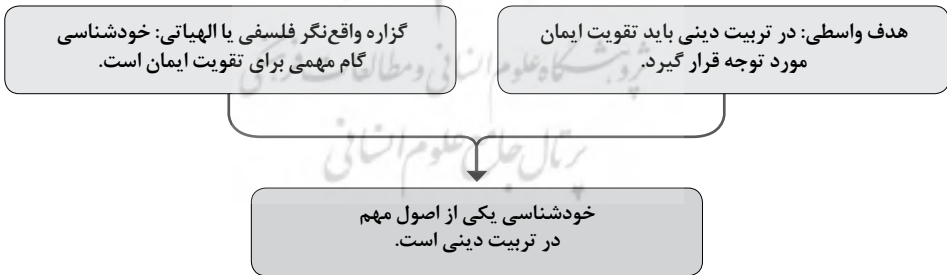
۲-۴. تقویت ایمان: التزام قلبی و تقویت ایمان باید مورد توجه دست‌اندرکاران نظام تربیت دینی قرار گیرد هم با توجه به تأکید رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی بر تجربه درونی افراد، زیرا صدق و کذب گزاره‌های دینی گاهی منوط به تجربه دینی فردی افراد است و این امر وقتی مهیا می‌شود که پرورش ایمان قلبی افراد آنها را به درکی بی‌واسطه از واقعیتها مهیا سازد. ایمان دارای دو بعد التزام قلبی و التزام عملی است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱) و هم با توجه به ویژگی ترکیبی بودن این رویکرد که گزاره‌های الهیاتی را مشتمل بر اخبار، استعاره، حقیقت و مجاز می‌داند و بر واقع‌گرایی تمام این گزاره‌ها تأکید فراوان دارد. بنابراین در فرایند تربیت دینی افراد، باید بر التزام قلبی و عملی نسبت به انواع آموزه‌های دینی تأکید شود و این از طریق پرورش ایمان افراد تحقق می‌یابد.



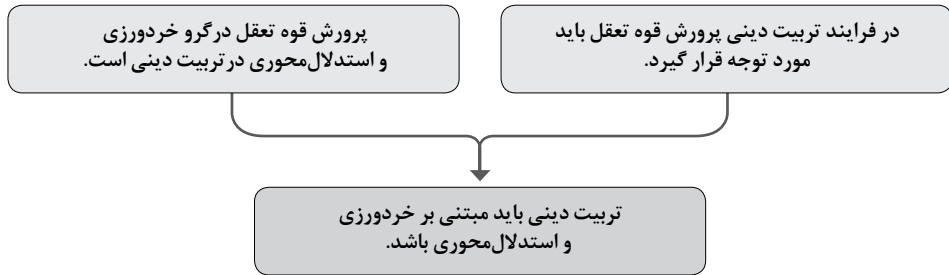
● اصول

اصول تربیت قواعد تجویزی کلی هستند که در جهت بیان چگونگی تحقق غایت تربیتی به‌مثابه راهنمای عمل مربی و متربی قرار می‌گیرند، تا هر یک وظایف تربیتی خود را به نحو مطلوب انجام دهند (صادق‌زاده قمصری و حسنی، ۱۳۹۸). این قواعد کلی را می‌توان با توجه به رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی زبان دین به‌صورت ذیل ارائه کرد:

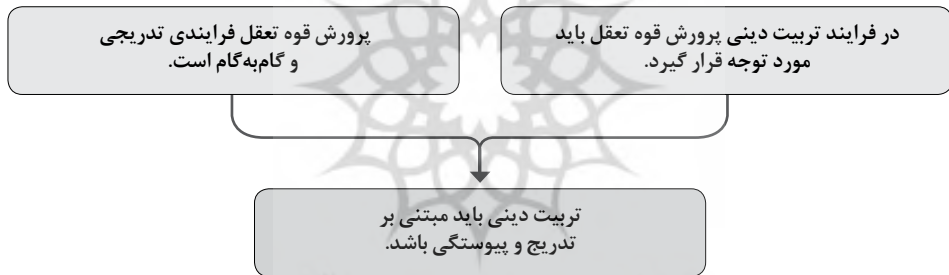
۱. **اصل خودشناسی:** با تکیه بر شناختاری بودن رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی، همچنین با توجه به تأکید این رویکرد بر متفاوت بودن رتبه انسان در درک گزاره‌های دینی، لذا خودشناسی یکی از مهم‌ترین اصول تربیت دینی است. این امری است که بر اساس مبانی تربیت دینی و با توجه به حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، مورد تأکید بسیار است، زیرا خودشناسی مقدمه شناخت و ایمان به خداوند است و مقدمه‌ای برای درک استعدادها و ظرفیتهای انسان و بهره‌گیری از آنها در مسیر کمال است.



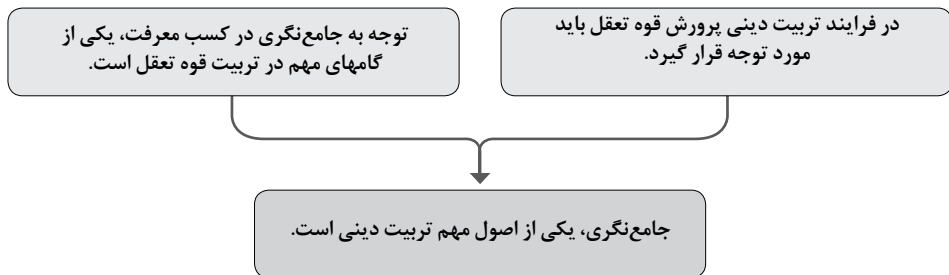
۲. **اصل خردورزی و استدلال - محوری:** رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی زبان دین از لفاظی و توجه به سطوح ظاهری گزاره‌های دینی به شدت پرهیز دارد و درمقابل بر خردورزی و ژرفاندیشی مبتنی بر قوه عقلانیت انسان، تأکید می‌کند. بنابراین فرایند تربیت دینی باید مبتنی بر اصل خردورزی باشد و تجربیات تربیتی تا حد ممکن در مسیر استقلال فکری و پرورش قدرت خرد دانش‌آموزان قرار گیرند تا آنان مقدس‌مآب و ریاکار پرورش نیابند.



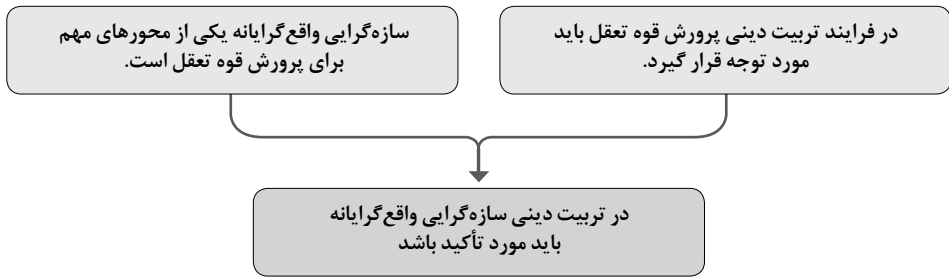
۳. **اصل تدریج و پیوستگی:** تدرج در ذات تربیت دینی نهفته است. با توجه به رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی، گزاره‌های دینی ترکیبی از حقیقت، مجاز، تمثیل و انشا هستند، لذا در بیان این مطالب باید به شرایط و تفاوت‌های سنی و جنسی مخاطبان توجه کرد و این امر موجب ارائه مطالب به صورت دسته‌بندی می‌شود. همچنین بر اساس این رویکرد و کمال‌گرایی انسان، وصول به مراتب بالای انسانی هدفی است که در خلقت انسان قرار داده شده است. اما نباید در رسیدن به آن شتاب زده عمل کرد. نیازسنجی، زمان‌سنجی و مخاطب‌شناسی در این زمینه بسیار اهمیت دارد.



۴. **اصل جامع‌نگری:** جامع‌نگری در کارهای دینی موجب پرورش انسان‌هایی پویا و متعادل می‌شود که این امر از بروز آسیب‌ها جلوگیری می‌کند. از آنجا که انسان موجودی ذوابعاد و زبان دین نیز چندساحتی است، لذا باید از یک سویه‌نگری پرهیز شود و تربیت دینی برای رسیدن به هدف غایی خود، در تمام ابعاد وجودی انسان اعم از جسمانی، عاطفی و عقلانی رسوخ کند تا فردی، دین‌ورز بار آید.



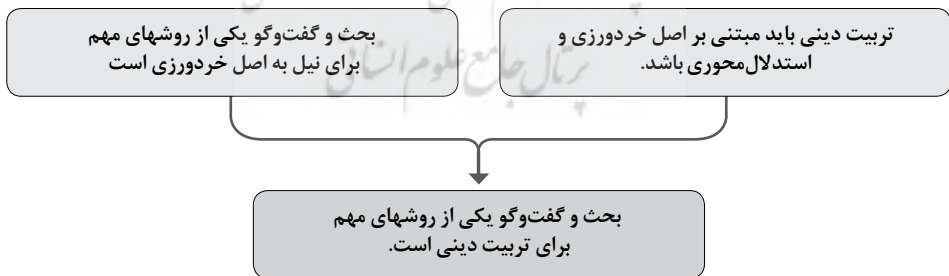
۵. اصل سازه‌گرایی واقع‌گرایانه: از منظر رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی، متربی عهده‌دار ساخت دانش دینی خود است. او با توجه به بسترهای مناسبی که برایش فراهم شده و با توجه به کوشش و عمل خود، به‌جایی می‌رسد که به ظواهر اکتفا نمی‌کند و در پی حقایق دینی است. لذا او باید با بهره‌گیری از تواناییهای خود مانند اختیار و عقل، در تقویت و اثبات باورهای دینی خود تلاش کند.



● روشها

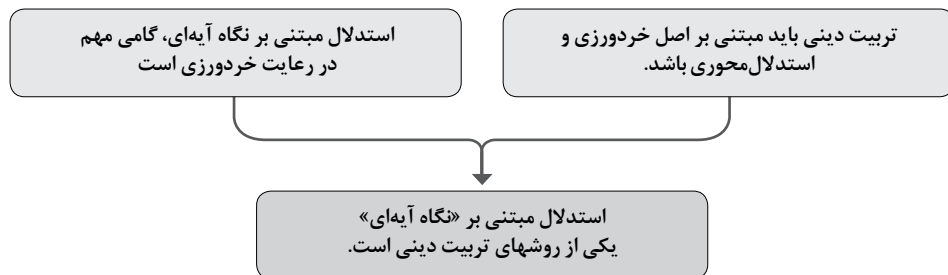
در ادامه با توجه به گزاره‌های مبتنی بر اصول تربیت دینی و گزاره‌های واقع‌نگر روشی، روشهای تربیت دینی استنتاج شده‌اند:

۱. روش بحث و گفت‌وگو: روش گفت‌وگوی مبتنی بر استدلال و برهان می‌تواند نقشی مهم در تبیین گزاره‌های زبان دین و حرکت در مسیر خردورزی و پرورش قوه تعقل انسان و انتخاب راه سعادت داشته باشد. همانطور که در رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی بیان شد، زبان دین خاصیت مرتبه‌ای دارد و درک متفاوت افراد در کسب درجات مختلف معرفتی نقش بسیار دارد. بنابراین اشتراک فهم در فرایند گفت‌وگو می‌تواند سبب ارتقای سطح یادگیری و درک بهتر زبان دین شود.

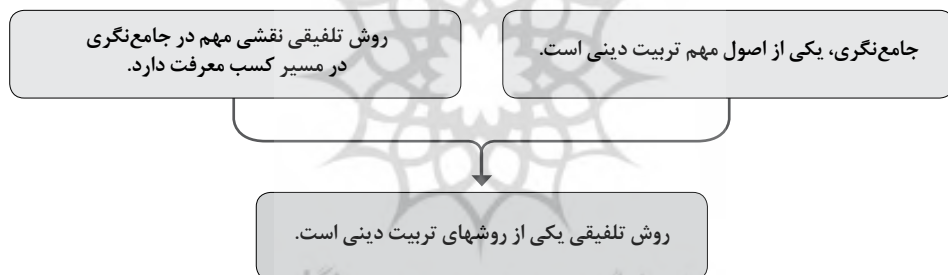


۲. استدلال مبتنی بر «نگاه آیه‌ای»: خداوند خالق هستی و این هستی، نشانه‌ای بر وجود و وحدانیت اوست، از این رو رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی داشتن درکی ژرف از محیط پیرامونی را برای پی‌بردن به حقانیت عالم هستی و خداشناسی امری مهم می‌داند. یکی از روشهای مهم در راستای

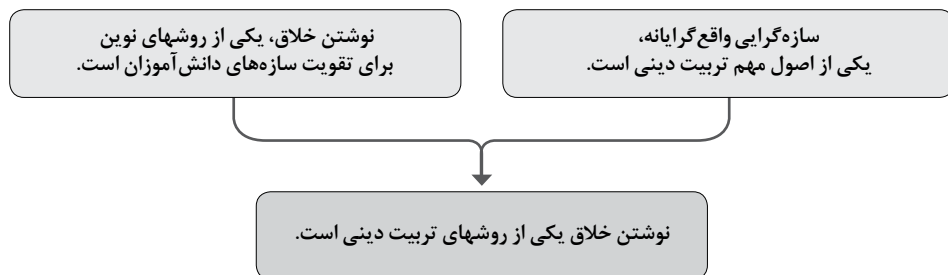
اصل خردورزی، استدلال مبتنی بر نگاه آیه‌ای، به معنای درک و تدبر در نشانه‌های الهی است. این نگاه آیه‌ای می‌تواند درکی ژرف از باطن زبان دین را فراهم سازد و از ظاهرگرایی جلوگیری کند.



۳. روش تلفیقی: روش تلفیقی یکی از روشهای نوین آموزشی است. این روش با تأکید بر تلفیق مواد درسی گوناگون و تلفیق یادگیری با زندگی واقعی، مسیری جذاب و معنادار برای یادگیری فراهم می‌سازد. رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی نیز با توجه به ذوابعاد بودن انسان و ترکیبی بودن زبان دین، شرایط را برای بهره‌گیری از روش تلفیقی در آموزش فراهم می‌کند.



۴. روش نوشتن خلاق: این روش یکی از روشهای نوین آموزشی است که دانش‌آموزان طی آن با کمک مربی و بهره‌گیری از ابتکار خود به خلق ایده‌های متفاوتی در مورد پدیده‌های اطراف می‌پردازند. این امری است که در جهت سازنده‌گرایی و تقویت قدرت ذهن و انتخاب متریبان و فعال کردن نقش آنها در یادگیری است.



■ جمع‌بندی ■

اهمیت بررسی رویکردهای زبان دین از آن روست که ارتباط مستقیم با گزاره‌های دینی دارد، زیرا شناخت و درک این گزاره‌ها، انسان را در فهم دین یاری می‌رساند.

دربارهٔ زبان دین، رویکردهای بسیار مطرح شده است که در دسته‌بندی کلی می‌توان به بی‌معنا و معنادار و سپس معنادارها را به شناختاری و غیرشناختاری تقسیم کرد. با توجه به هدف این پژوهش، که ارائه اصول و روش‌هایی برای تربیت دینی - اسلامی بوده است، تنها رویکردهای شناختاری زبان دین، مورد توجه قرار گرفته‌اند. رویکردهای شناختاری مطرح‌شده در این پژوهش هر کدام براساس مبانی خود، بیانی متفاوت از گزاره‌های دینی ارائه داده‌اند. پژوهشگر سعی کرده است تا با توجه به مبانی خداشناسی و انسان‌شناسی تربیت‌اسلامی، تلفیقی سازوار از این رویکردها، با عنوان رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی استنتاج کند. این رویکرد در پی آن است که فهمی جامع و کارا برای درک ماهیت زبان دین فراهم سازد تا بتواند هدایتگر اعمال ما در تربیت دینی باشد.

این رویکرد، زبان دین را چندساحتی می‌داند که در گزاره‌های مربوط به صفات الهی، اشتراک معنوی تشکیکی و در سایر گزاره‌ها، زبان ترکیبی (ترکیبی از اخبار و انشا، حقیقت و مجاز، استعاره و تمثیل) را می‌توان لحاظ کرد که همه اینها بنابر اهداف تربیتی گزاره‌های دینی، گویای واقعیت‌اند. ویژگی دیگر این رویکرد، تأکید بر رتبه‌ای بودن و تشکیک در معرفت حاصل از زبان دین است. از منظر زبان دین، مراتب افراد در درک گزاره‌های دینی متفاوت است و این به معنای نسبی‌گرایی نیست، بلکه در پی ارائه نوعی معرفت‌شناسی واقع‌گرایی سازه‌گرایانه است که در آن نقش خود افراد در تبیین متون دینی بسیار مهم است. به کارگیری این دو ویژگی مهم زبان دین، یعنی چندساحتی بودن و رتبه‌ای بودن در فرایند تربیت دینی، تحول‌آفرین و راهگشا خواهد بود.

دلالت‌های این رویکرد دربارهٔ اهداف، اصول و روش‌های تربیت دینی عبارت‌اند از:

اهداف	اصول	روشها
۱. شناخت صفات الهی	۱. خودشناسی	۱. بحث و گفت‌وگو
۲. پرورش قوه تعقل	۲. خردورزی	۲. استدلال مبتنی بر نگاه آیه‌ای
۳. تهذیب نفس	۳. تدریج و پیوستگی	۳. روش تلفیقی
۴. تقویت ایمان	۴. جامع‌نگری	۴. روش نوشتن خلاق
	۵. سازنده‌گرایی واقع‌گرایانه	

■ پیشنهادهای کاربردی ■

- دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت دینی براساس رویکرد رتبه‌ای - چندساحتی زبان دین می‌توانند در تهیه منابع تربیتی و همچنین روشهای بیان و ارائه آن تغییراتی ایجاد کنند.
۱. بهتر است منابع تربیت دینی ترکیبی از متون متنوع اخباری، انشایی، تمثیل و غیره باشد.
 ۲. محتوای تربیت دینی باید دربرگیرنده تمام ابعاد وجودی انسان باشد و متربیان را به سمت خردورزی و عمل‌گرایی سوق دهد.
 ۳. محتوای کتابهای تربیت دینی باید با توجه به مخاطب، نیاز و شرایط زمان نوشته شوند.
 ۴. روشهای تربیت دینی باید بر بحث و گفت‌وگو و پرورش ذهن متربیان تأکید داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- قرآن کریم.
- آزاده، محرم. (۱۳۸۵). نگاهی به نقش زبان در تعلیمات دینی. *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۲(۲)، ۷-۲۰.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها (مطالعه موردی شهر سنندج). *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۱(۱)، ۱۷-۴۴.
- استیور، دان آر. (۱۹۹۶). زبان دین، ترجمه ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۳). نشر ادیان.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۰). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم. *بازتاب اندیشه*، ۲(۱۵)، ۳۸-۴۴.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۲). *الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران*. نشر مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی صدا.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. *نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی*.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۱). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلامی*. نشر سمت.
- جعفری، محمد. (۱۳۹۱). قصه‌های قرآنی و رویکردهای زبان دینی در تحلیل آنها. *معرفت*، ۲۱ (۱۷۸)، ۳۱-۱۷.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). *فلسفه دین*. نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۱). *بحثی اجمالی پیرامون معناداری و اثبات‌پذیری گزاره‌های دینی*. *معرفت*، ۱۲ (۴۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. ج ۷. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی‌اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۲). *منطق تفسیر قرآن*. ج (۴). انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). *زبان دین و قرآن*. انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم.
- سالاری‌راد، معصومه. (۱۳۸۵). نظریه‌های شناختاری و غیرشناختاری زبان دینی. *معرفت*، ۱۵ (۱۱۱)، ۹-۲۴.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۱)، ۳۴-۶۶.
- Dor: 20.1001.1.17351901.1384.6.1.3.7
- شریف‌پور، مریم؛ محمدرضایی، محمد؛ علم‌الهدی، علی و محمدی، ناصر. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی مبانی و لوازم نظریه شناختاری علامه طباطبایی (ره) در زبان دین. *فلسفه دین*، ۱۴ (۲)، ۲۲۳-۲۴۷.
- Doi: 10.22059/jpht.2017.99717.1005144
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا و حسینی، محمد. (۱۳۹۸). *تبیینی از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران*. نشر مدرسه.
- صادقی، هادی. (۱۳۸۲). *درآمدی بر کلام جدید*. نشر طه.
- صادقی، هادی. (۱۳۹۰). گریز از کیش بررسی نظریه الهیات جان هیک. *اندیشه نوین دینی*، ۷(۲۵)، ۴۵-۷۰.
- Dor: 20.1001.1.20089481.1390.7.25.3.2
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). *شعبه در اسلام*. نشر بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- طهرانی‌حائری، حمیده و موسوی‌کریمی، میرسعید. (۱۳۹۵). مولوی و دو رویکرد در باب چیستی زبان: اشتراک معنوی و اشتراک لفظی. *بهار ادب*، ۹ (۳)، ۱۵۱-۱۷۲.
- عباسی، ولی‌الله. (۱۳۸۳). وحی و تجربه دینی. *حوزه و دانشگاه*، ۱۰ (۳۸)، ۷۹-۱۰۸.
- علی‌زمانی، امیرعباس. (۱۳۹۵). *سخن گفتن از خدا*. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- فخارنوغانی، وحیده و حسینی‌شاهرودی، سیدمرتضی. (۱۳۹۵). رابطه زبان دین و واقعیت از دیدگاه ملاصدرا. *پژوهشنامه فلسفه دین*، ۱۴ (۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- Doi: 10.30497/prr.2016.1850

کانت، ایمانوئل. (۱۷۹۳). دین در محدوده عقل تنها، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی (۱۳۹۵). نشر نقش و نگار، چاپ چهارم. ناطقی، محمد. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی زبان دین در منظومه فکری ویتگنشتاین و علامه طباطبایی. پرتو خرد، ۱۲(۱۲)، ۹۹-۱۴۴.

همایون مصباح، سیدحسین. (۱۳۸۵). زبان دین یکی از مبانی تحول معرفت دینی. سفیر نور، ۲۶ (۲)، ۴-۲۱.

- Alston, W. P. (2005). Religious language. In: W. J. Wainwright (Ed.), *The Oxford handbook of philosophy of religion* (pp. 220-244). Oxford: Oxford University Press.
- Crombie, I. M. (1957). The possibility of theological statement. In B. Mitchell (Ed.), *Faith and logic: Oxford essays in philosophical theology* (pp. 31-83). London, England: Routledge.
- Hick, J. H. (1990). *Philosophy of religion* (4th ed.). New Jersey: Prentice Hall.
- Jablónski, P., van der Lans, J. & Hermans, C. (2009). Metaphor theories and religious language understanding. *Metaphor and Symbol*, 13(4), 287-292.
https://doi.org/10.1207/s15327868ms1304_4
- Peterson, M., Hasker, W., Reichenbach, B., & Basinger, D. (2008). *Reason and religious belief: An introduction to the philosophy of religion*. New York: Oxford University Press.
- Rankin, M. (2005). *An introduction to religious experience*. RERC Third Series Occasional Paper 2.



The Cognitive Approach to the Language of Religion and its Implications for Religious Training

Z. ShabestariNejad Raavari¹ © S.M. Sajjadi, Ph.D.^{2*} © A. R. Saadeghzaadeh Ghamsari, Ph.D.³ © M. Imaani Naa'eeni, Ph.D.³

Abstract

To explain the particular approach used herein to discover better ways of religion training, Frankena's edited model is taken as the basis for deriving goals, principles, and methods for a program of religious training. This approach to the language of religion is not only ordinal and multi-dimensional, but a conflation of similar approaches that are based on theological principles of god's existence and unity, as well as the fundamental Islamic traits attributed to humans such as authority and intellection, multidimensionality, and perfectionism. Furthermore, it is emphatic on the synthesis of symbol and sign. The goals of religion training, as implied by this approach, are recognition of almighty's attributes, strengthening the ability to reason, self-purification, and reinforcement of belief. As for the recommended methods, dialogue and discussion, verse-based reasoning, creative writing, and a conflation of thereof are but a few. Following these goals and using these methods can lead to the development of all aspects of religious training in believers.

Keywords: Religious training, implications, ordinal-multidimensional approaches, language of religion

Date Received: May 6, 2023

Date Accepted: Aug. 6, 2023

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral graduate in Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

E-mail: sajadism@modares.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.